

کاربرد روش‌های کیفی در مطالعه انحرافات اجتماعی

حبیب احمدی
لیلا نیکپور قنواتی

چکیده

ماهیت پیچیده انحراف، بزهکاری و جرم، موجب گردیده است تا جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی انحرافات در مطالعه انحرافات اجتماعی نه تنها از دیدگاه‌های نظری متفاوت، بلکه از روش‌های مختلف که در رویکردهای روش‌شناختی کمی و کیفی وجود دارد، استفاده نمایند. این گوناگونی روش‌ها، فرصت‌های فراوانی برای ارزیابی و ایجاد پیوند میان روش‌ها، داده‌ها و نظریه‌های تحقیق را فراهم آورده است تا از این طریق اعتبار یافته‌های تحقیقات در زمینه انحرافات اجتماعی را افزایش دهند. از دیدگاه هر روش‌شناسی کیفی^۱ بزهکاری و جرم می‌بایست به عنوان کنش‌های کنشگران اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرند. بنابراین، روش‌های کیفی در مطالعه انحرافات اجتماعی به دنبال دستیابی به نظام معانی^۲ کنشگران و تفسیر آنها از کنش‌هایشان خواهند بود. مشاهده مشارکتی^۳، مصاحبه عمیق^۴، گروه مرکز^۵ و قوم‌نگاری^۶ از روش‌های کیفی رایج در پژوهش‌های مربوط به انحرافات اجتماعی هستند.

کلید واژه‌ها: روش کیفی، انحرافات اجتماعی، مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق، قوم‌نگاری.

مقدمه

تحقیق کیفی عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی مانند مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق، گروه مرکز و قوم‌نگاری، که هر کدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست‌اول درباره موضوع تحقیق یاری می‌دهند.

1. qualitative methodology
2. meaning systems
3. participant observation
4. in - dept interview
5. focus Group
6. ethnography

سؤال اساسی برای موضوع این است که چگونه می‌توان با به‌کارگیری روش‌های کیفی، دنیای اجتماعی منحرفین به‌عنوان کنشگران اجتماعی را از درون درک و فهم نمود؟ در تحقیقات کیفی، روش کیفی مناسب و تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها برای هر تحقیق اجتماعی با توجه به هدف و سؤال اساسی تحقیق انتخاب می‌شود. مارشال و روزمن^۱ (۱۹۹۵) ارتباط میان هدف مطالعه و سؤال اساسی تحقیق با روش تحقیق و تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها را خاطر نشان کرده‌اند. وقتی هدف، مطالعه اکتشاف و سؤال تحقیقاتی مربوط به موضوعات برجسته الگوها و طبقه‌بندی در ساختار ذهنی شرکت‌کنندگان (منحرفین) است، روش‌های کیفی جمع‌آوری اطلاعات، مشاهده مشارکتی و گروه‌مرکز می‌باشد. در مواردی که هدف مطالعه توصیفی است و مثلاً محقق می‌خواهد وقایع، عقاید، گرایش‌ها و ساختارها یا فرایندهای یک پدیده را وصف نماید، از مصاحبه عمیق و قوم‌نگاری استفاده می‌گردد.

روش‌های کیفی در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی انحرافات به دنبال دستیابی به کنش با معنای «مجرمین»^۲ و «بزه‌کاران»^۳ هستند که در این راستا تمرکز بر مبانی ارزشی، عقیدتی و رفتاری کنشگران و تلاش برای درک احساس، انگیزش و هیجانات آنها ضرورت دارد، این عناصر به‌عنوان اجزای «نظام معانی» کنشگران پژوهشگران تحقیقات کیفی را یاری می‌دهند. در مطالعه جرم و بزه‌کاری، تحقیقات کیفی بر اساس «روش‌شناسی تفسیری»^۴ سعی بر شناخت جهان اجتماعی مجرمین و بزه‌کاران به‌عنوان کنشگران اجتماعی دارد که از درون درک می‌گردد. روش‌شناسی تفسیری در صدد تحلیلی نظام‌مند از کنش با معنای مجرمین و بزه‌کاران از طریق مشاهده مستقیم جزئی رفتار آنها در شرایط طبیعی است، برای فهم و تفسیر این‌که چگونه آنها دنیای اجتماعی خودشان را خلق می‌کنند و به آن معنا می‌بخشند. بنابراین، در روش‌شناسی کیفی محقق وارد دنیای نمادین مجرمین و بزه‌کاران می‌شود و با فهم نظام معانی و تفسیرهای آنها از کنش‌هایی که انجام داده‌اند، پدیده جرم و بزه را فهم می‌نماید (احمدی، ۱۳۸۴).

روش‌های کیفی بر محوریت مفاهیم ارتباط، تفسیر، تفهم و زندگی روزمره انسان‌ها استوار هستند. در کسب معرفت درباره این مفاهیم از «جهش خلاق»^۵ استفاده می‌شود. جهش خلاق فرایندی است برای تولید

1. marshall and Rossman
2. criminals
3. delinquents
4. interpretive methodology
5. abduction

گزارش‌های علمی - اجتماعی از زندگی اجتماعی که به وسیله فراهم آوردن مفاهیم و معانی استفاده شده توسط کنشگران اجتماعی و فعالان در کنش اجتماعی تولید می‌شود (نیومن،^۱ ۱۹۹۴). بنابراین، در پژوهش‌های مربوط به جرم و بزهکاری، پژوهشگر با استفاده از روش‌های کیفی نظیر مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق، گروه‌مرکز و قوم‌نگاری، می‌کوشد تا به محیط پیرامون خود آگاهی یابد، دنیای خاص مجرمین و بزهکاران مورد مطالعه را درک نماید، ارزش‌های حاکم در فرهنگ مجرمین و بزهکاران مورد پژوهش را بشناسد و سرانجام به نظام معانی مجرمین و بزهکاران مورد مطالعه به عنوان کنشگران اجتماعی دست یابد. در این مقاله کاربرد روش‌های کیفی در مطالعه بزهکاری و جرم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری موضوع

جرم و بزهکاری به عنوان ابراز نوعی کنش است که به صورت فردی و جمعی در زمینه یا بستر اجتماعی معین، در رویکردهای نظری کمی و کیفی تحقیقات مورد مطالعه اندیشمندان قرار می‌گیرد. در تحلیل و ارزیابی این نوع کنش، دو عنصر انسان و محیط نقش اساسی دارند. بر مبنای اصالت‌دادن به انسان یا محیط و نوع رابطه بین آنها، تحلیل نظری جرم و بزهکاری و به تبع آن روش‌شناسی تحقیق متفاوت خواهد بود. چنانچه ارتکاب جرم و بزهکاری بر پایه رابطه علی از محیط به انسان، رابطه متقابل بین انسان و محیط و یا تحت رابطه دیالکتیک توضیح داده شود، تحقیق پیرامون این کنش از مسیرهای متفاوتی عبور خواهد کرد. این مسیرها در واقع تحت روش‌شناسی‌ها، در علوم انسانی تعیین و تعریف می‌گردند. علوم انسانی با توسل بر روش‌شناسی اثباتی، تفسیری و انتقادی، اقدام به شناخت واقعیت اجتماعی بر پایه تئوری می‌نماید. بنابراین، تئوری‌ها که هدایت‌گر نظری تحقیقات در مسیرهای منتج از روش‌شناسی‌ها می‌باشند، ریشه در یکی از این روش‌شناسی‌ها دارند.

دیدگاه‌های نظری اندیشمندان که به تحلیل رویدادهای اجتماعی از جمله جرم و بزهکاری می‌پردازند، بر اساس پیش‌فرض‌های موجود روش‌شناسی‌ها درباره انسان و واقعیت اجتماعی به رویکردهای کمی و یا کیفی تحقیق تقید دارند. اگرچه در دوران معاصر ادعاهای نظری مبنی بر به کارگیری این دو رویکرد در یک فرایند ترکیبی وجود دارد، ولی همچنان این ادعاها نیازمند تئوریزه‌نمودن مباحث خویش تحت یک روش‌شناسی معین هستند. رویکرد کمی تحقیق با اصالت به تجربه و مشاهده پدیده‌ها، سعی در شناخت روابط کمی آماری

بین آنها دارد. در حالی که در رویکرد کیفی، ضمن اصالت دادن به موارد کیفی و غیرعینی در تحلیل کنش‌های انسانی، سعی در شناخت سیستم معانی و چگونگی تفسیر انسان از محیط می‌باشد. رویکرد کیفی تحقیق که اساساً متأثر از روش‌شناسی تفسیری است، ضمن اصالت دادن به انسان، به ارزیابی فهم و تفسیر انسان از محیط می‌پردازد. در این روش‌شناسی، انسان بر اساس اراده و اختیار به محیط معنی می‌بخشد و براساس آن کنش را معنی می‌کند. در این راستا کنش با معنای انسان مورد مطالعه و بررسی این رویکرد قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، محقق به دنبال ارائه یک تحلیل نظام‌مند از کنش اجتماعی با معنی از طریق مشاهده مستقیم رفتار در شرایط طبیعی می‌باشد. بنابراین، در این رویکرد تمرکز محقق بر کنش اجتماعی معطوف به هدف است. در رویکرد کیفی، جرم و بزهکاری به عنوان نوعی کنش اجتماعی معطوف به هدف مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این راستا لازم است که نظام معانی افراد درگیر با جرم و بزهکاری از طریق روش کیفی تحقیق نظیر مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق، گروه‌مرکز و قوم‌نگاری کشف شود تا بتوان عناصر فعال در پدیده جرم و بزهکاری را شناسایی نمود. کنش اجتماعی با معنی بر اساس خصیصه‌های نظام معانی ابراز می‌گردد که چنانچه این خصیصه‌ها مشخص گردند، می‌توان نوع کنش و چگونگی انتشار آن را تعیین نمود. در واقع در ابراز کنش، فهم و تفسیر انسان از واقعیت اجتماعی نهفته است که در این راستا واقعیت اجتماعی نیز مورد ارزیابی ذهنی کنش‌گران قرار می‌گیرد.

مشاهده مشارکتی

در روش مشاهده مشارکتی، پژوهشگر به گروه بزهکاران و مجرمین می‌پیوندد و مدت زمانی در دنیای اجتماعی آنها قرار می‌گیرد و با ثبت و ضبط نمودن تعامل مستمر آنها و ارتباط مستقیم با دنیای واقعیشان، رفتار آنها را به عنوان یک پدیده پویا مورد مطالعه قرار می‌دهد. مشارکت در دنیای نمادین بزهکاران و مجرمین و ثبت کنش‌های آنها که به طور طبیعی رخ می‌دهد، به اعتبار این روش افزوده است. جذب و ادغام پژوهشگر در «دار و دسته‌های منحرف»^۱ و شناخت محیط پژوهش بسیار وقت‌گیر و پرهزینه است. طبقه‌بندی انبوهی از اطلاعات غیرآماري جمع‌آوری شده و تصمیم‌گیری «ازاد ارزش»^۲ برای پالایش اطلاعات و اطمینان از عدم

1. deviant gangs

2. value free

مداخله و «قضاوت ارزشی»^۱ پژوهشگر در گزینش اطلاعات، از کاستی‌های این روش کیفی در مطالعه و سنجش انحرافات اجتماعی است. با این حال، این روش کیفی تحقیق می‌تواند در مطالعه گروه‌های کوچکی از منحرفین و «دار و دسته‌های بزهکار و مجرم»^۲ و حوزه‌های جغرافیایی محدود نظیر یک «مرکز بازپروری»^۳ مفید باشد. باید توجه داشت که روش مشاهده مشارکتی از روش‌های «زرفانگر»^۴ است و یافته‌های تحقیقاتی که با این روش در مورد مجرمین و بزهکاران به دست می‌آید قابل تعمیم به جامعه بزرگ‌تر نیست.

مشاهده مشارکتی ممکن است به روش‌های دیگری نظیر «مشاهده پنهان غیرمشارکتی»^۵ و «مشاهده طبیعت گرایانه»^۶ انجام شود. در این روش‌ها محقق در محیط اجتماعی و طبیعی که در آن جرم و بزهکاری رخ می‌دهد یا در زندان‌ها و مراکز بازپروری که مجرمین و بزهکاران در تعامل هستند اقامت می‌نماید. در این شیوه‌ها اگرچه محقق به گروه مجرمین و بزهکاران نمی‌پیوندد، ولی هدف از به‌کارگیری این روش‌ها مشاهده فرایند علی رخدادها از نزدیک است. گلاسر و استروس^۷ (۱۹۶۷) بر این باورند که در این روش‌ها روابط بین متغیرها اغلب در همان زمانی که پدیده‌ها رخ می‌دهند، کشف می‌شود. هنگامی که یک فرضیه از طریق مشاهده مشارکتی تأیید می‌شود، مشاهده‌های طبیعت‌گرایانه و مشاهده‌های پنهان غیرمشارکتی می‌توانند از طریق انجام مقایسه‌های متوالی میان موقعیت‌هایی که برای تحقیق انتخاب شده‌اند، به کمک ابزارهای لازم صوتی و تصویری اطلاعاتی را جمع‌آوری نماید که اعتبار نتایج حاصل از مشاهدات مشارکتی را افزایش دهد. استفاده از این روش‌ها به همراه روش مشاهده مشارکتی بدان سبب انجام می‌شود محدودیت‌هایی که در جمع‌آوری اطلاعات به روش مشاهده مشارکتی شناسایی شده، جبران شود. به علاوه، استفاده از این روش‌ها، محقق را قادر می‌سازد تا به پالایش داده‌ها بپردازد و با اطمینان بیشتری به تحلیل پدیده‌ها و روابط بین متغیرها دست یازد.

1. value judgement
2. delinquent and Criminal Gangs
3. detention center
4. intensive
5. convered non-Participant observation
6. naturalistic observation
7. Glaser and Strauss

مصاحبه عمیق

هنگامی که هدف مطالعه اکتشاف و سؤال تحقیقاتی مربوط به موضوعات برجسته در مورد انحرافات اجتماعی، نظیر آشکار نمودن نظام معانی قاچاقچیان مواد مخدر است، روش مصاحبه عمیق با کنشگران سودمند می‌باشد. در مصاحبه عمیق، پژوهشگر مجرمین و بزهداران مورد مطالعه و یا افراد دیگری که با مسائل مربوط به جرم و بزهداری درگیر هستند (برای مثال کارکنان زندان‌ها و قضات و نیروهای انتظامی) را به سمت پرسش یا مسأله کلی که می‌بایست کشف شود، هدایت می‌کند. در مواردی که هدف مطالعه توصیفی از رخدادهای مربوط به انحرافات اجتماعی و ساختارها یا فرایندهای یک رفتار انحرافی است نیز می‌توان از روش مصاحبه عمیق در جمع‌آوری اطلاعات استفاده نمود (مارشال و روزمن، ۱۹۹۵). در مصاحبه عمیق، مصاحبه‌گر که قبلاً در یک کارگاه آموزشی با اهداف مطالعه آشنا شده است، با تکیه بر چند موضوع کلی که محورهای اصلی مصاحبه است، سعی در آشکار نمودن معانی ذهنی مصاحبه‌شوندگان در پژوهش دارد. در موارد مربوط به جرم و بزهداری، مصاحبه عمیق ممکن است با مجرمین و بزهداران، نخبگان و برنامه‌ریزان درگیر در مبارزه با جرایم و بزهداری و پیشگیری از وقوع جرایم و بزه انجام شود و یا با مردم عادی که به نوعی قربانی و آسیب‌دیدگان انحرافات اجتماعی هستند، انجام گردد. در پژوهشی که، تمرکز بردست‌یابی به نظام معانی قاچاقچیان مواد مخدر، خانواده‌های قاچاقچیان، ضابطین دادگستری و دادگاه‌های انقلاب و کارکنان زندان‌ها درباره تأثیر مجازات حبس‌های طولانی مدت و مجازات اعدام بر قاچاق مواد مخدر است، از مصاحبه عمیق استفاده می‌شود. انتخاب این افراد به عنوان مصاحبه‌شوندگان به دلیل درگیری آنها با موضوع مورد مطالعه است. قبل از انجام مصاحبه، مصاحبه‌کننده خودش را برای تعیین سوگیری‌های شخصی می‌آزماید و تمام عناصری را که به تعصبات و تمایلات شخصی مربوط می‌شوند، را کنار می‌گذارد. هدف این خودآزمایی، حذف کردن یا شفاف نمودن پیش‌تصورات خویش است. با این حال، در مصاحبه عمیق، مصاحبه‌گر در طول جریان مصاحبه فعال بوده و با طرح سؤالات مختلف پیرامون محورهای اصلی بحث، فرایند مصاحبه را در جهت اهداف مطالعه هدایت می‌نماید. برای انتخاب نمونه بر اساس روش‌های رایج تحقیقات کیفی، مصاحبه‌کنندگان با حضور در میدان تحقیق پس از انجام مطالعات مقدماتی و آشنایی با ساختار سازمانی و گروهی میدان تحقیق، اقدام به انتخاب نمونه می‌نمایند، روش انتخاب نمونه، معمولاً روش نمونه‌گیری

سه‌میه‌ای^۱ می‌باشد. در نمونه‌گیری سه‌میه‌ای مصاحبه‌گر در انتخاب نمونه از آزادی عمل بیشتری برخوردار است. برای مثال، در مطالعه تأثیر مجازات بر قاچاق مواد مخدر، مصاحبه‌گر پس از آشنایی با ساختار سازمانی زندان‌ها و اردوگاه‌های نگهداری قاچاقچیان مواد مخدر و دادگستری و دادگاه‌های انقلاب و خانواده‌های قاچاقچیان مواد مخدر، نمونه‌های مورد نیاز خود را با روش نمونه‌گیری سه‌میه‌ای انتخاب می‌نماید.

گروه مرکز

روش گروه‌مرکز، یک بحث گروهی نیمه‌ساختاری است که طی آن یک گروه بین ۶ تا ۱۰ نفر از افراد مشابهی که با یک موضوع مربوط به بزهکاری و جرم، نظیر اعتیاد به مواد مخدر، درگیر هستند و از پیش توسط پژوهشگر تعیین شده‌اند، به بحث و تبادل نظر گروهی می‌پردازند. موضوع‌های مورد بحث در حوزه انحرافات اجتماعی می‌تواند مواردی نظیر طلاق، اعتیاد، تأثیر رسانه‌ها بر تولید جرم و بزهکاری جوانان^۲ باشد. روش گروه‌مرکز در واقع شکل کامل‌تر، و گسترده‌تر و منظم مصاحبه عمیق است. گروه‌مرکز می‌تواند به مثابه یک روش تکمیلی و متممی در کنار دیگر روش‌ها مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال، در مطالعه تأثیر رسانه‌های تصویری بر تولید جرم در بین جوانان می‌توان با روش گروه‌مرکز نظرات استفاده‌کنندگان از فیلم‌های جنایی را در یک بحث گروهی جمع‌آوری نمود و به همراه آن، با روش «تحلیل محتوا»^۳ محتوای فیلم‌های جنایی را تحلیل نمود. مراحل انجام یک تحقیق گروه‌مرکز در مطالعه انحرافات اجتماعی نظیر اعتیاد به مواد مخدر به شرح زیر است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایه جامع علوم انسانی

مرحله اول - انتخاب مشارکت‌کنندگان

در این مرحله افراد مشارکت‌کننده به عنوان گروه یا گروه‌های هدف به دقت انتخاب می‌شوند. این افراد باید با مسأله مورد مطالعه درگیر بوده و یا تجربیات لازم درباره موضوع مورد بحث را داشته باشند. برای مثال، در موضوع اعتیاد، مشارکت‌کنندگان می‌توانند معنادین و والدین آنها، افراد متخصص در پیشگیری، درمان و مبارزه با اعتیاد و یا هر دو طیف متخلف و متخصص باشند، که البته بهترین گروه مشارکت‌کننده، ترکیبی از هر

1 . quota sampling

2 . juvenile delinquency

3 . content analysis

دو گروه است. اندازه گروه می‌بایست بین ۶ تا ۱۰ باشد که تعداد ۶ تا ۸ نفر مطلوب تر و مفیدتر است؛ زیرا تعداد اعضای گروه نباید به حدی زیاد باشد که هیچ وجه اشتراک نظری که مورد نظر محقق است، نداشته باشند. وحدت نظری نسبی بین اعضای گروه مشارکت کننده شرط اولیه در روش گروه‌مرکز است. زمان مورد نیاز برای انجام یک گروه‌مرکز نباید از دو ساعت تجاوز کند، در صورت نیاز می‌توان چند گروه‌مرکز دو ساعته انجام داد. در انتخاب گروه‌مرکز، اعضای گروه مرکز می‌بایست به روش خردمندانه و هدفمند نمونه‌گیری شوند و از انواع نمونه‌گیری‌های تصادفی رایج در تحقیقات کمی پرهیز شود. برای مثال، در انتخاب اعضای گروه مشارکت کننده در گروه مرکز مطالعه اعتیاد می‌بایست به افراد متخصص یا متخلفین حرفه‌ای متوسل شد که بیشترین اطلاعات و تجربیات را در موضوع مورد مطالعه داشته باشند.

مرحله دوم - انتخاب محیط

گروه‌مرکزها باید در یک محیط آرام و راحت انجام شود. برای مثال، در مطالعه اعتیاد، معتادینی که به عنوان خودمعرف به طور داوطلبانه به مراکز بهزیستی مراجعه می‌کنند، به مکان امنی نظیر غذاخوری سازمان دعوت می‌شوند و گروه‌مرکزها در آنجا تشکیل می‌شود. مشارکت کنندگان باید طوری بنشینند که یکدیگر را به وضوح ببینند و از این طریق با هم احساس صمیمیت نموده و با تعامل با یکدیگر در بحث گروه شرکت نمایند. «هدایت گر»^۱ گروه می‌بایست با مشارکت کنندگان در محیط گروه‌مرکز حاضر و در صورت تفاوت زبانی با مشارکت کنندگان، به زبان آنها سخن گفته و در هنگام ورود و خروج افراد با احترام به استقبال و بدرقه آنها پردازند و از آنها در محیط پذیرایی نماید.

مرحله سوم - یادداشت‌برداری، تحلیل و گزارش‌نویسی از مباحثات افراد

در این مرحله از تحقیق، هدایت گر می‌بایست به همه افراد اجازه صحبت بدهد و از صحبت بی‌مورد افراد جلوگیری نموده و به گونه‌ای رفتار نماید که همه افراد احساس کنند دارای اهمیت یکسانی برای هدایت گر هستند. بنابراین، فرد ماهری باید گروه را هدایت کند، داشتن علاقه و انگیزه، درک و اعتقاد جدی به انجام پژوهش، مهارت در جمع‌آوری داده‌های کیفی، آشنایی کامل با جامعه آماری (در مثال مطالعه اعتیاد، آشنایی

با مسأله اعتیاد و معتادین) و افراد مورد مطالعه و مهارت در برنامه‌ریزی و پشتیبانی از شرایطی است که هدایت‌گر باید داشته باشد. در این مرحله از تحقیق، نقش هدایت‌گر بسیار کلیدی است. در روش گروه‌مرکز، واژه محقق و پژوهشگر به مفهوم کمی‌گرایانه آن به کار نمی‌رود و به این فرد، هدایت‌گر یا راهگشای گروه گفته می‌شود که می‌تواند یکی از مشارکت‌کنندگان باشد که بحث را با محورهای از پیش تعیین شده جهت داده و از اختلال در آن جلوگیری کند. نقش‌های فرد هدایت‌گر در گروه مرکز به شرح زیر است:

۱. سازمان دهنده،^۱ مسؤل هدایت برنامه‌ریزی و تولید سؤالات گروه‌مرکز.

۲. استخدام کننده،^۲ مسؤل دعوت از مشارکت‌کنندگان.

۳. گرداننده،^۳ مسؤل هماهنگی و رهبری گروه.

۴. تحلیل‌گر،^۴ مسؤل تحلیل مباحث و ایده‌ها در ضمن بحث گروهی گروه‌مرکز.

۵. گزارش‌گر،^۵ مسؤل تغلیل داده‌ها و صورت‌بندی آنها برای مخاطبین گوناگون.

مرحله چهارم - تعیین روایی و اعتبار و ارزیابی گزارش در روش گروه‌مرکز

به منظور بالا بردن روایی ابزار مصاحبه گروهی در روش گروه‌مرکز، محورهای مصاحبه را با توجه به مبانی نظری تحقیق و اهداف طرح طراحی می‌کنند و به تأیید چند نفر از داورانی که در زمینه موضوع مورد مطالعه تخصص دارند، می‌رسانند. از آنجا که در روش گروه‌مرکز تکرارپذیری یک مسأله پیچیده است، اعتبار گزارش تحقیق و نتایج حاصل از مطالعه با تبعیت از سنت روش‌شناسی کیفی به این گونه آزمون می‌شود که مجری طرح می‌بایست گزارش نهایی را برای افراد مشارکت‌کننده در گروه‌مرکز ارسال داشته و توسط آنها مورد ارزیابی قرار دهد. در واقع باید این افراد تصدیق کنند که گزارش مذکور در برگیرنده اطلاعات و ایده‌هایی است که در گروه‌مرکز مورد تبادل نظر قرار گرفته‌اند. این نوع آزمون اعتبار را «اعتبار پاسخگو»^۶ می‌خوانند. ارزیابی گزارش، آخرین مرحله انجام یک تحقیق به روش گروه‌مرکز است.

1. organizer

2. recruiter

3. moderator

4. analyst

5. reporter

6. respondent validity

قوم‌نگاری

مطالعه انحرافات اجتماعی با روش قوم‌نگاری، کنش‌های بزهکاران و مجرمین را در یک فضای طبیعی و غیر آزمایشی به گونه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد که سوزهای مورد مطالعه از موقعیت تحقیق مطلع نبوده و تحت تأثیر موقعیت و شرایط حاکم بر پژوهش نیستند. به عبارت دیگر، هر گاه پژوهشگر به بررسی کنش‌های انحرافی بزهکاران و مجرمین و مسائل و موضوعات آنها در یک محیط دست نخورده و دستکاری نشده اقدام کند، می‌توان ادعا نمود که یک مطالعه قوم‌نگارانه انجام داده است. اگر چه کاربرد روش قوم‌نگاری در ابتدا بیشتر معطوف به مطالعه اقوام ابتدایی در رشته انسان‌شناسی فرهنگی بوده، ولی در دهه‌های اخیر تحت تأثیر افول اکثر اقوام ابتدایی، این روش در حوزه‌های دیگر علوم اجتماعی نظیر جامعه‌شناسی انحرافات به کار گرفته شده و سازمان‌های اجتماعی نظیر سازمان زندان‌ها و اردوگاه‌های نگهداری بزهکاران و مجرمین با این روش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای مثال، «مکتب شیکاگو»^۱ در نیمه اول قرن بیستم توسط پارک و برگس^۲ (۱۹۲۷) با روش قوم‌نگاری به مطالعه مجرمین خیابانی، گروه‌های روسپی و خرده‌فرهنگ‌های منحرفین و بزهکاران در شهر شیکاگو پرداختند (لاوسون و هیتون،^۳ ۱۹۹۹). مطالعه کنش‌های بزهکارانه و مجرمانه با روش قوم‌نگاری در رویکرد روش‌شناسی کیفی بررسی رفتارها و عملکردهای انسان به مثابه انعکاسی از معانی ذهنی وی می‌باشد.

واحد مطالعه در قوم‌نگاری می‌تواند یک گروه کوچک از بزهکاران و مجرمین، یک اردوگاه نگهداری مجرمین خاص (نظیر اردوگاه معتادین) و یا یک مرکز اصلاح و تربیت بزهکاران باشد. نمونه‌گیری قوم‌نگارانه یک نمونه‌گیری کیفی است و مبتنی بر یافتن مطلعین یا «دروازه‌بانان»^۴ است که حداکثر اطلاعات را در دست دارند یا از آنها با خبر هستند. بنابراین، در مطالعه کنش‌های بزهکارانه و مجرمانه علاوه بر بزهکاران و مجرمین، خاتواده‌های آنها و زندانبانان و مددکاران اجتماعی نیز می‌توانند به عنوان نمونه مورد مطالعه با روش نمونه‌گیری کیفی مبتنی بر سنت نمونه‌گیری کیفی انتخاب شوند. در جمع‌آوری اطلاعات، قوم‌نگاران به تحلیل اسناد و مدارک پرداخته و بر این باورند که اسناد و مدارک نوشتاری، داده‌های کیفی و اجتماعی هستند که از اهمیت

1. Chicago School

2. Park and Burgess

3. Lawson and Heaton

4. gatekeepers

زیادی برخوردارند. علاوه بر مطالعه اسناد، در روش قوم‌نگاری پژوهشگر با مشاهده مشارکتی با بزهکاران و مجرمین و مطلعین در تعامل و ارتباط متقابل با آنها قرار گرفته و دنیای نمادین و ذهنی آنها را به تصویر می‌کشد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه انحرافات اجتماعی با روش‌های کیفی دارای چارچوب صوری مشخص و قالب‌مند مانند روش‌های کمی نظیر «روش پیمایش»^۱ نیست. کمی‌گرایان انعطاف‌پذیری روش‌های کیفی را به عنوان شکنندگی و عدم انسجام روش‌های کیفی مطرح می‌کنند. در حالی که، کیفی‌گرایان، این انعطاف‌پذیری را به معنای وجود خلاقیت و ابتکارات تحقیق کیفی در نظر می‌گیرند و بر این باورند که قالب‌بندی صوری و خشک روش‌های کمی، عملاً پژوهشگر را، هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ روشی مقید و محدود می‌سازد و پژوهشگران کمی را وادار می‌کند تا به صورت کلیشه‌ای، مکانیکی و تکراری به تحقیق پردازند. به طور کلی روش‌های کیفی در مطالعه بزهکاری و جرم از اعتبار^۲ بالا و روایی^۳ پایین برخوردارند، به این معنا که روش‌های کیفی معرف‌ها و شاخص‌های مناسب برای مطالعه انحرافات اجتماعی دارند، ولی تکرارپذیری ندارند. از این روی، هیندلانگ و همکارانش^۴ (۱۹۸۱) به منظور حصول به درجه اطمینان بیشتر، از بررسی معتبر و پایا در موضوعات بزهکاری و جرم را به کارگیری روش‌هایی دانسته‌اند که دارای نقاط ضعف متفاوتی هستند و در عین حال، نقاط قوت آنها نیز متفاوت است.

با وجود این که اکثر تحقیقات مربوط به بزهکاری و جرم با روش‌های مطرح در روش‌شناسی کمی انجام می‌گیرد، به نظر می‌رسد که طرح کاربرد روش‌های کیفی در پژوهش‌های انحرافات اجتماعی برای جبران نقایص و محدودیت‌های روش‌های کمی مفید است و با به کارگیری این روش‌های کیفی همراه با روش‌های کمی، نظیر پیمایش‌ها، می‌توان به اطلاعات و داده‌های معتبر و منسجمی رسید و روایی تحقیقات را افزایش داد. به کارگیری مجموعه‌ای از روش‌های کیفی در کنار روش‌های کمی اعتماد به این مطلب را که نتایج تحقیقات بیشتر بازتابی از واقعیت هستند، افزایش می‌دهد، با این حال، در تفسیر اهمیت و معنی داربودن یافته‌ها و اطلاعات

1. survey Method

2. validity

3. reliability

4. Hindelang et al.

حاصل از روش‌های کیفی باید محتاط بود. برور و هانتر (۱۳۷۷) بر این باورند که استفاده از روش‌های کیفی نظیر مشاهده مشارکی و مصاحبه‌های عمیق دقت و صحت تحقیقات پیمایشی را ارزیابی می‌نمایند.

فهرست منابع

احمدی، حبیب (۱۳۸۴): «جامعه‌شناسی اتحرافات»، تهران، انتشارات سمت.
 برور، جان و هانتر، آلبرت (۱۳۷۷): «تحقیق چندروشی در علوم اجتماعی»، ترکیب اسلوب‌ها، ترجمه حبیب احمدی و اسفندیار غفاری‌نسب، شیراز، انتشارات زر.

Glaser, B.G. and Strauss, A. (1967): *The Discovery of Grounded Theory*, Chicago, Aldine.

Hindelang, M.J.; Hirschi, T., and Weis, J. (1981): *Merging Delinquency*, London: Sage Publications, inc.

Lawson, T. and Heaton T. (1999): *Crime and Deviance*, London, Macmillan Press ltd.

Marshall, C. and Rossman, G.B. (1995): *Designing Qualitative Research*, London, Sage Publication.

Neuman, W. L. (1994): *Social Research Methods, Qualitative and Quantitative Approaches*, London, Allyn and Bacon.

Park, R.E. and Burgess, E. W. (1927): *The Urban Community*, Chicago, Ill, Chicago University Press.

مشخصات نویسندگان

حبیب احمدی دارای درجه دکترای جامعه‌شناسی و روان‌شناسی از دانشگاه ولون گنگ استرالیا و دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز است. علائق پژوهشی او در زمینه آسیب‌شناسی اجتماعی است.
 لیلانیکپور قنواتی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی فارغ‌التحصیل دانشگاه شهید باهنر کرمان است.